

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ  
الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ  
وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ  
ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى  
وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾  
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ  
تَرْتَلِبُهُمْ رُكْعًا سُبْحًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ  
فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثْرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ  
فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى  
عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ  
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾



## درس سوم

## خُلَفای راشدین

در بحث‌های گذشته با ضرورت ادامه یافتن خلافت اسلامی پس از رسول الله ﷺ آشنا شدید و آموختید که حکومت اسلامی و رهبری آن، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌کند. در این درس می‌خواهیم شما را با خلفا و جانشینان رسول خدا ﷺ که پس از وی به شکل شورایی، رهبری جامعه اسلامی را بر عهده گرفتند، بیشتر آشنا کنیم.

واژه «راشده» از کلمه «رشد» گرفته شده است و رشد در اینجا یعنی استقامت در راه حق و هدایت. راشد یعنی کسی که راه حق و درست را محکم و با استقامت می‌پیماید و خلافت راشدین یعنی خلافتی که مبنایش ایستادگی بر حق و عدالت و شوری است. امت اسلامی این واژه را از حدیث زیر گرفته است:

\* «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ»<sup>۱</sup>؛ به سنت من و سنت خلفای راشدین، تمسک جوید.

مسلمانان به خلفای پنج‌گانه، یعنی ابوبکر، عمر، عثمان، علی و حسن (رضوان الله عليهم اجمعين)، خلفای راشدین می‌گویند. باید بدانید که اگر امروزه در بعضی کتاب‌ها در شمارش خلفا به چهار نفر اول بسنده می‌شود به این سبب است که مدت خلافت حسن بن علی رضی الله عنه کوتاه بوده و ایشان عملاً مجال خلافت نیافته است؛ بنابراین، خلیفه راشد است اما خلافتی نداشته که در کنار چهار خلیفه دیگر از وی نام برده شود.

#### تدبیر در حدیث

۱- چرا در حدیث «علیکم بسنتی و...» در کنار پیروی از سنت، روش خلفای راشدین هم ذکر شده است؟

۲- پیامبر رحمت از جانشینان محبوبش با چه تعبیری یاد کرده است؟

اکنون به طور مختصر با زندگی و ویژگی‌های خلفای راشدین آشنا می‌شویم:

### ۱- خلیفه رسول الله ابوبکر صدیق رضی الله عنه

عبدالله بن عثمان (ابوبکر) اولین خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود که پس از رحلت پیامبر، در یک بیعت پر از عاطفه و احساس ایمانی به خلافت رسید. وی قبل از اسلام در میان مردم به راستگویی مشهور بود و پس از ظهور اسلام، پیامبر بزرگوار به ایشان لقب صدیق داد. ابوبکر صدیق رضی الله عنه که دوست قدیمی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، اندکی پس از ظهور اسلام به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و رسالتش را تصدیق کرد. ابوبکر تنها شخصیتی است که خود، پدر، پسر و نوه‌اش - محمد بن عبدالرحمن - (چهار نسل) همگی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند.

مورخین اسلام می‌نویسند که ابوبکر صدیق رضی الله عنه بعد از بیعت مردم خطبه‌ای به شرح ذیل خواند:

«برادران من اینک خدمت حکومت کردن بر شما به من سپرده شده است. اگر دیدید من وظایف خود را درست انجام می‌دهم یا من همراهی کنید و اگر خطایی از من سرزد تأدیبم کنید»<sup>۲</sup>.

۱- حدیث صحیح سنن دارمی، ۹۶، سنن ترمذی، ۲۶۷۶، مسند امام احمد، ۱۷۴۲-۱۷۴۴-۱۷۴۵، سنن ابی داود، ۴۶۰۷، سنن ابن ماجه، ۴۳

۲- گوستاولوبون فرانسوی، تمدن اسلام و غرب، ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی، ۱۳۱۸ هـ. ش، چاپخانه علمی، ص ۱۷۴

## ویژگی های شخصیتی ابوبکر صدیق رضی الله عنه<sup>۱</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ابوبکر صدیق فرمود: کسی که بیشترین خوبی و بخشش را با دوستی و دارایی اش در حقم نمود، ابوبکر صدیق است.<sup>۲</sup>

او قلبی بسیار مهربان داشت و از ثروتش برای کمک به فقرا و اسیران استفاده می کرد.<sup>۳</sup> ابوبکر یار غار پیامبر در هجرت پر از رمز و راز او بود. پیامبر به نقل از قرآن، پس از دیدن غم دلسوزانه اش فرمود: غم مخور؛ زیرا قطعاً خداوند با ماست.

در قرآن کریم به این مطلب در آیه ۴۰ سوره توبه تصریح شده است:

«إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ

لَا تَحْزَنْ، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ»؛

«اگر شما پیامبر را یاری نکنید، [بدانید که] خدا [قبلاً] او را یاری کرده [و باز هم یاری می کند].

خداوند او را زمانی یاری کرد که کافران از (مکه) بیرونش کردند. آنگاه که (دو نفر بیشتر نبودند) و

او دومین نفر بود. هنگامی که به دوست دلسوزش [ابوبکر] گفت: غم مخور؛ قطعاً خداوند با ماست و

خداوند آرامشش را بر پیامبر نازل کرد [و ابوبکر هم در پرتو این الطاف آرام گشت].»

ابوبکر رضی الله عنه بسیار متواضع بود. زندگی کاملاً بی آرایش و دور از تکلفی داشت و به خواهش های دنیایی بی اعتنا بود. او در عین تواضع و فروتنی در اجرای احکام و حدود شرعی سخت گیر بود و شجاعانه و بی پروا عمل می کرد. ابوبکر صدیق در اجرای عدالت اجتماعی بسیار جدی بود و هیچ گاه اجازه نمی داد در محضرش از او تعریف کنند و اگر کسی این کار را می کرد، با فروتنی بسیار در مقابل خداوند، گریه کنان، می گفت: «بارالها، مرا بهتر از آن کن که مردم می پندارند و آنچه را آنها در مورد من نمی دانند، پیامرز و مرا به خاطر سخنانشان در قیامت مورد بازخواست قرار مده.»<sup>۴</sup> او اولین کسی بود که برای رسیدگی هر چه بهتر به حال مستمندان، اجازه نداد زکات از نماز جدا شود. در واقع، او این مهم را از این آموزه قرآن بر گرفته بود: «اقیموا الصلوة واتوا الزکاة». مردم او را می دیدند که با جسم نحیفش سخت کوشانه برای خوشبختی همگان شب و روز کار می کند. در تواریخ معتبر آمده است که ابوبکر حتی پس از رسیدن به خلافت، درماندگان و مردمان مددجو را رها نکرد و به آنها

۱- صدیق یعنی کسی که با زبان و عمل صداقت خود را در پیروی از دین خدا ثابت می کند. در سوره نساء آیه ۶۹، صدیقین به عنوان دومین گروه از بندگان خوب خدا معرفی شده اند.

عمده ترین دلیل اینکه پیامبر این لقب را به ابوبکر داد، تصدیق های مکرر او از رسالت و وقایع مربوط به آن، به خصوص واقعه معراج بود.

۲- صحیح بخاری ۴۶۶ و مسند احمد ۱۱۸۶۳

۳- صحیح بخاری ۳۶۵۴-۳۹۰۴- صحیح مسلم ۲۳۸۲- مسند احمد ۱۱۱۳۴ و ۱۱۶۳

۴- خلفاء الرسول، اثر خالد محمد خالد

سرکشی می‌کرد. در میان صحابه و نزدیکان ثروتمند پیامبر ﷺ ام‌المؤمنین خدیجه، امیرالمؤمنین عثمان و دوست باوفای پیامبر عبدالرحمن بن عوف (رضی الله عنهم اجمعین) و... به جود و سخاوت مشهور بودند اما ابوبکر صدیق بود که در بذل مال و دارایی اش در راه دین محمد ﷺ سرآمد همگان بود؛ طوری که بزرگان صحابه همگی به این موضوع معترف بودند و چه بسا یکی از دلایل ماتم همگانی مسلمانان در روز مرگ ابوبکر صدیق توجه مردم به این خصلت والای آن بزرگوار بود. به شهادت تاریخ، مرگ ابوبکر صدیق بعد از رحلت پیامبر ﷺ، غمگین‌ترین تجربه مسلمانان بوده است. او همچون پیشوای پاکش ۶۳ سال زندگی کرد و صحابه با انتخاب وی به عنوان خلیفه رسول الله ﷺ عملاً نشان دادند که به افضلیت او معترف‌اند.

به قول فردوسی خوش سخن :

که خورشید بعد از رسولان مه  
تایید بر کس ز بوبکر به

## تدبیر در آیه

آیه شریفه ۴۰ سوره توبه بر تشبیت چه واقعه مهمی تصریح کرده است؟ (می‌توانید به تفاسیر اهل سنت مراجعه کنید.)

## بیشتر بدانیم

برخی از اقدامات مهم ابوبکر صدیق رضی الله عنه در دوران خلافت :

- ۱- او به محض رسیدن به خلافت، دستور داد کاتبان و حافظان وحی، قرآن را که در صفحاتی پراکنده نوشته شده بود، جمع‌آوری کنند و در یک مصحف قرار دهند. این دستور پس از آن صادر شد که هفتاد نفر از حافظان قرآن در جنگ با مسیلمه کذاب به شهادت رسیدند.
- ۲- سپاه اسامه بن زید را که قبل از رحلت رسول خدا ﷺ آماده حرکت به سرحدات روم شده بود، بار دیگر تجهیز کرد و به آن منطقه اعزام نمود.
- ۳- پایه‌های دولت اسلامی را تحکیم کرد و قبایل پراکنده را زیر پرچم پرافتخار اسلام متحد ساخت.
- ۴- کسانی را که مانع زکات بودند و از پرداخت زکات خودداری می‌کردند، مجبور به پرداخت زکات کرد و حق فقیران و مستمندان و حکومت اسلامی را از آنها گرفت. توضیح این مطلب لازم است که زکات یکی از مترقی‌ترین احکام اسلامی است که با ادای آن، رفاه طبقات کم‌توان جسمی و روحی جامعه «خصوصاً» و رفاه عمومی «عموماً» تأمین می‌شود. به گفته ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها، امیرالمؤمنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه در روز دوشنبه هفتم جمادی الآخر در سال سیزدهم هجری بیمار شد و پانزده روز نتوانست به مسجد برود. تا اینکه بعد از غروب روز سه شنبه بیست و دوم همان ماه به جوار رحمت حق تعالی پیوست و طبق وصیت

خودش او را در حجره ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها، در جنب مرقد منور رسول الله به خاک سپردند. ایشان دو سال و سه ماه خلافت کرد و در ۶۳ سالگی رحلت نمود.

## درس آموزی

از شیوه زندگی و ویژگی های خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله، ابوبکر صدیق رضی الله عنه، چه درس هایی می توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با همفکری هم کلاسی هایتان انتخاب کنید و به صورت مقاله ای در کلاس ارائه دهید.

## ۲- امیر المؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه

امیر المؤمنین نامش عمر رضی الله عنه و لقبش فاروق بود. فاروق یعنی تمیزدهنده حق از باطل، و به راستی این لقب زینده وجود پاک او بود. عمر فاروق در ۲۷ سالگی مسلمان شد. او می گفت هر کس جاهلیت را تجربه کرده باشد، قدر اسلام را خوب می داند. پیامبر او را فاروق نامید؛ چون مردی وارسته، باهوش و تحلیلگر و با وجود قدرت جسمی، بسیار با عاطفه بود. یک بار که شبانه در مدینه برای تفحص درباره اموال مردم در شهر گردش می کرد، با شنیدن گریه های کودکی، بسیار گریست<sup>۱</sup> و تاریخ، صحنه های زیادی از گریه ها و سایر عواطف انسانی او را گزارش کرده است.

عمر فاروق پیش از اسلام به خاطر نیروی جسمی و قدرت ذکاوتش مقبولیتی عام داشت و اسلام این دو قابلیت را شکوفاتر کرد و به وی حیات طیبه<sup>۲</sup> قرآنی داد. وی بر عدالت اقتصادی و برداشتن فاصله طبقاتی بسیار اصرار می ورزید و برای اینکه نیازمندی در قلمرو خلافتش باقی نماند، حقوق ماهانه را برای همگان مقرر کرد. عمر فاروق پس از ۶۳ سال زندگی پر فراز و نشیب به ابدیت پیوست و با پیوستن به کاروان شهدا، زندگی پر خیرش با شهادت، خاتمه یافت.<sup>۳</sup>

فردوسی درباره شجاعت وی در اظهار کردن اسلام می گوید:

عمر کرد اسلام را آشکار      بیاراست گیتی چو باغ بهار

۱- ماجرا از این قرار بود که امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه برای تمام کودکانی که آنها را از شیر بریده بودند، حقوقی از بیت المال مقرر کرده بود و این حقوق به تمامی افراد در همه سطوح سنی تا زمانی که زنده بودند، پرداخت می شد. در این میان، مادر کودکی که می خواست حقوق فرزندش حلال باشد در همان شب تولد کودک تلاش می کرد او را از شیر بگیرد و بچه خودداری و گریه می کرد. وقتی عبدالرحمن بن عوف به دستور امیر المؤمنین با مادر بچه صحبت کرد و مادر ماجرا را برای او تعریف نمود، امیر المؤمنین عمر سخت گریه کرد و گریه کنان گفت: «فردا دستور خواهیم داد که حقوق مقرر دولتی از همان بدو تولد شامل همگان شود».

۲- زندگی پر از ایمان و پاکی و خیرخواهی و خدمت را حیات طیبه می گویند.

۳- مورخان اسلامی امیر المؤمنین عمر را «شهید محراب» لقب داده اند؛ چون در هنگام ادای نماز صبح فردی شقی و بدخواه به نام ابولؤلؤ به ایشان حمله کرد و ضربت زد.

امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه با ذکاوتی که داشت، برای رسیدگی به امور کشوری و اداری برنامه‌های منظم به نام دیوان مقرر کرد. وی همان‌گونه که گفته شد، با مقرر کردن حقوق عمومی برای همگان جامعه اسلامی را از فقر دور کرد. در زمان خلافتش عدالت اجتماعی را چنان رعایت کرد که اعجاب همگان را برانگیخت؛ تا جایی که مورخ بزرگ فرانسوی، گوستاولوبون، در کتاب «تمدن اسلام» تحت تأثیر عملکرد حاکمان مسلمان، به خصوص عمر فاروق رضی الله عنه می‌گوید: «دنیا فاتحانی مهربان‌تر و عادل‌تر از مسلمانان ندیده است. آنها با رفتار خوب و عدالت بی‌نظیر، بهتر و بیشتر از قدرتی که داشتند به اهداف خود و پیروزی حیرت‌انگیزشان رسیدند»<sup>۱</sup>.

### بیشتر بدانیم

برخی از اقدامات مهم امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه :

- ۱- تقسیم قلمرو پهناور اسلام به ۲۳ ایالت و انتخاب بهترین افراد برای تولیت امور ایالت‌ها؛
- ۲- تأسیس سازمان پلیس که کار افراد آن در شب، حفظ انتظامات و امنیت شهرها و در روز، اجرای احکام قضایی و حدود شرعی بود؛
- ۳- تأسیس یک سازمان ساده گمرک که وظیفه‌اش دریافت ده درصد حقوق گمرکی از تجار خارجی بود؛
- ۴- تأسیس دبیرخانه و نظام امور مالی برای ثبت اسناد و رسیدگی به امور بیت‌المال و درآمد حقوق بگیران؛
- ۵- تحدید و مقرر کردن تاریخ اسلام؛ پس از مشورت و تبادل نظر، آغاز تاریخ اسلام بر مبنای هجرت رسول‌الله از مکه به مدینه تعیین گردید؛
- ۶- گسترش قلمرو اسلامی به سرزمین‌های ایران و روم شرقی و آزادسازی مردم ستم‌دیده این دو سرزمین. در فتح بیت‌المقدس عمر فاروق رضی الله عنه با افراد معدودی وارد شهر شده و از اسقف سفرونیوس<sup>۲</sup> درخواست کردند که با هم رفته و مقامات مقدسه را زیارت کنند و همان وقت امر کرد منادی ندا کند که حفظ اموال و معابد این شهر را ما خود دمه‌دار هستیم و حتی مسلمین مجاز نیستند که در کلیساها نماز بخوانند.<sup>۳</sup>

### درس آموزی

از شیوه زندگی و ویژگی‌های امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه، چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با همفکری هم‌کلاسی‌هایتان انتخاب کنید و در کلاس ارائه دهید.

۱- تمدن اسلام و غرب، تألیف دکتر گوستاولوبون فرانسوی، ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپخانه علمی طهران، ۱۳۱۸، صص ۱۵۸ الی ۱۷۰

۲- Sophronius

۳- همان، ص ۱۶۸

### ۳- امیر المؤمنین عثمان ذی النورین رضی الله عنه

عثمان بن عفان رضی الله عنه سومین خلیفه راشد است که با انتخاب شورایی ویژه تعیین شده است. او هم مانند شیخین (ابوبکر و عمر) رضی الله عنهما از سابقین (پیشتازان) اسلام بود.<sup>۱</sup>

صحابه نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله هر کدام به خصلتی مشهور و آراسته بودند و صفت مشهور امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه، حیای او بود. براساس حدیثی که امام بخاری آن را در کتابش آورده، یکی از مهم ترین نکاتی که مردم از پیامبران پیشین خداوند درک کرده اند، اهمیت حیاست.<sup>۲</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله حیا را خصلتی سراسر خیر می دانست و امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه در بین جمع پر خیر و با حیای صحابه از این جهت نگینی درخشان بود. او همچنین سخاوت بسیار داشت. عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه می گوید: «تمام مردم مدینه، وام دار عثمان ذی النورین رضی الله عنه هستند؛ یک سوم آنها را مهمان می کند، قرض یک سوم را ادا می کند و به یک سوم دیگر کمک می کند. هنوز آثار وقف امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه در مدینه مانده است. او کسی است که وقتی یک سال قحطی آمد، گندم های کاروان تجاری خود را میان فقرای مدینه تقسیم کرد».<sup>۳</sup>

سرانجام، بدخواهان امت و آشوب طلبان، عثمان سخاوتمند و باحیا را شهید کردند. بی شک صحابه پیامبر با انتخاب عثمان ذی النورین بعد از شیخین، نشان دادند که اهل فهم و ذوق اند؛ چرا که مردی متدین را برای رهبری دنیا و دین خود برگزیدند. فردوسی با ذکاوت در این باره چه خوش سروده است:

که خورشید بعد از رسولانِ مه  
تایید بر کس ز بوبکر به  
عمر کرد اسلام را آشکار  
بیاراست گیتی چو باغ بهار  
پس از هر دوان بود عثمان، گزین  
خداوند شرم و خداوندِ دین<sup>۴</sup>

با گسترش اسلام در سرزمین های مختلف و نیاز مردم آن مناطق و شهرها به قرآن و فراگیری صحیح آن، ایشان دستور داد که کارگزاران با دقت، نسخه های زیادی از قرآن را که دارای رسم الخط واحد بودند، منتشر کنند و به نقاط مختلف سرزمین های اسلامی بفرستند.

۱- «شیخ» در کاربرد اولیه زبان عربی به پیرمرد و کسی گفته می شود که پنجاه سالگی را پشت سر گذاشته است، اما در ادبیات اسلامی کلمه شیخ به بزرگان اطلاق می شود و در قضیه خلافت، شیخین ابوبکر و عمر رضی الله عنهما هستند. در بین شافعی مذهبان، شیخین به دو امام همام نووی و رافعی گفته می شود و در اصطلاح حنفیه، منظور از شیخین خود امام اعظم (ابوحنیفه) و قاضی ابویوسف رضی الله عنهما است. در علم تفسیر، به امام ابن کثیر و امام طبری شیخین می گویند. در علم حدیث نیز به امام بخاری و امام مسلم شیخین گفته می شود. البته کاربرد اسم شیخین برای ابوبکر و عمر رضی الله عنهما جز به سبب بزرگی و فخامت مقامشان، به جهت نسبتشان با پیامبر صلی الله علیه و آله هم بوده است. در میان صحابه و اقتدار مسلمانان بعد از یاران پیامبر، به عثمان و علی صهترین، می گویند که به معنای، دو داماد است. این لقب از آن جهت به این دو بزرگوار داده شد که هر دو داماد پیامبر بودند.

۲- اصل حدیث را در کتاب پر ارزش اربعین نووی حدیث شماره ۲۰ ببینید.

۳- خلفاء الرسول، اثر خالد محمد خالد؛ البته در چنین تعابیری خود عدد مورد نظر نیست بلکه منظور از آن، کثرت افراد و مصداق است.

۴- علت تکرار دو بیت بالا در اینجا، به این سبب است که بیت سوم که در مورد امیر المؤمنین عثمان است، با دو بیت پیشین ارتباط معنایی دارد.



## برخی از فضائل امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه

امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه مردی خوش قیافه و زیبا، با شرم و حیای مخصوص بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا دختر خود، «رقیه»، را به عقد عثمان درآورد. اما رقیه هم‌زمان با جنگ بدر فوت کرد. پس از این واقعه، پیامبر صلی الله علیه و آله دختر دیگرش، «ام کلثوم»، را به عقد او درآورد؛ به همین سبب به او «عثمان ذی النورین» می‌گفتند. ام کلثوم نیز در همان زمان رسول خدا فوت کرد. آن حضرت فرمود: «اگر دختر دیگری می‌داشتم، او را به عقد عثمان درمی‌آوردم.» ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله ام کلثوم را به عقد عثمان درآورد، به او گفت شوهرت از همه کس به جدت، ابراهیم خلیل، و پدرت، محمد، شبیه‌تر است.»

او انسانی بسیار مهربان و دارای فضیلت‌های انسانی بود. امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه که مردی تاجریشه و ثروتمند بود، در چندین مرحله اموال و دارایی خود را در راه خدا و پیشبرد اهداف مقدس اسلام به مصرف رساند؛ از جمله: پرداخت هزینه‌های ساز و برگ جنگی سپاهیان اسلام در جنگ تبوک، خریداری چاه آب رومه و تعمیر آن و نیز وقف آن چاه برای مسلمانان و توزیع گندم‌های کاروان تجاری خود در یک سال قحطی در میان فقراى مدینه. امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، نامه‌های رسول خدا را می‌نوشت.

## درس آموزی

۱- حیا و بخشندگی، دو صفت بارز امیرالمؤمنین عثمان بود. این دو ویژگی در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی چه تأثیرات مهمی را می‌گذارند؟

## ۴- امیرالمؤمنین علی مرتضی رضی الله عنه

برای شناخت شخصیت او کافی است بدانید که پیامبر صلی الله علیه و آله برای شجاعتش به او لقب «أَسَدُ اللَّهِ»، برای اعلام رضایت از او به وی لقب «مرتضی» و برای توصیف خاکی بودنش واژه «ابوتراب» را برگزید. علی مرتضی ده سال قبل از بعثت، در مکه معظمه چشم به جهان گشود و از همان کودکی پرورده‌خانه نور و ایمان شد. ده ساله بود که با فهم مردانه‌ای به پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله ایمان آورد. جوانی را در زیر سایه درخت ایمان سپری کرد و نمونه‌ای از علم و ایمان و تقوا شد. او در کنار این ویژگی‌ها، شجاع و سخنور و شوخ طبع بود.

پس از شهادت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، مردم از مهاجر و انصار اجتماع کردند و به علی مرتضی رضی الله عنه پیشنهاد بیعت دادند. آن بزرگوار از پذیرش منصب خلافت سر باز زد اما مسلمانان دست برداشتند و با اصرار و پافشاری با او بیعت کردند. در آن موقع هیچ‌کس با خلافت او مخالفت نکرد. علی مرتضی در

اولین خطبه‌اش (بعد از رسیدن به خلافت)، روش خویش را ترسیم کرد و دفاع از اموال عمومی و مساوات و برابری را همچون یاران قبلی‌اش هدف خود اعلام نمود.

باز هم دل‌مردگانِ شب‌پرست توانستند چهارمین خلیفه و خورشید تابانِ پروردهٔ وحی را تحمل کنند؛ این بود که در اقدامی بی‌رحمانه، با شهید کردن امیرالمؤمنین علی علیه السلام امت اسلامی را داغدار کردند و به این ترتیب، ابوتراب متواضع در تراب جای گرفت. ضرار، از دوستان علی مرتضی علیه السلام، دربارهٔ ایشان می‌گوید: «شبی تاریک او را تعقیب می‌کردم. به مسجد رفت و در محراب جای گرفت. شنیدم که به شکلی سوزناک دعا می‌کرد و در لابه‌لای دعایش، خطاب به دنیا می‌گفت: ای دنیا، دیگران را فریب بده؛ تو عمرت کوتاه است و فریبت گسترده و زیاد.»

امیرالمؤمنین علی علیه السلام همان بود که رسول‌الله صلی الله علیه و آله او را در مناسبت‌های مختلف می‌ستود. به قول فردوسی حماسه سرای:

چهارم علی بود، جفتِ بتول      که او را به خوبی ستاید رسول

امیرالمؤمنین علی علیه السلام مردی با کمالات متعدد بود، در عین عالم بودن، متواضع، جدی در تقوا و عدالت و در عین حال خوش سخن و اهل طنز ادیبانه، مردمی و خدایی و در همان حال، مأنوس با نماز شب بود. وی ضمن بیزار بودن از دنیاطلبی با دنیای مردم آشنایی داشت و خلاصه به قول عبدالرحمن جامی:

این علی در کمال خلق و سیر      عین بوبکر بود و عین عمر

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در طول خلافتش سختی‌ها دید و همچون امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، مظلومانه شهید شد. ابوبکر صدیق، عمر فاروق، عثمان ذی‌التورین و علی مرتضی علیه السلام راه پاک پیامبر رحمت را پیمودند تا مردم در سراسر محدودهٔ خلافت اسلامی در رفاه مادی و با تربیت ایمانی زندگی کنند و پرچم پرافتخار اسلام را با مجاهدت‌های مخلصانه خود به اهتزاز در آورند.

بیشتر بدانیم

### برخی از اقدامات امیرالمؤمنین علی علیه السلام

- ۱- مبارزه با فتنه و آشوب‌های داخلی و تحکیم ارکان حکومت اسلامی و خاموش کردن آشوبی که در پایان خلافت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه پیش آمده بود؛
- ۲- مبارزه با اندیشه‌ها و گروه‌های افراطی، مانند خوارج و آگاه کردن مردم از خطرات آنها (البته و متأسفانه بالاخره به وسیلهٔ همین گروه افراطی و کوتاه‌فکر به شهادت رسید)؛

۳- ایراد خطبه‌ها و نوشتن نامه‌هایی حاوی معارف اسلامی، شیوه حکومت‌داری و اخلاق والای انسانی، که هم‌اکنون به‌عنوان گنجینه‌ای در اختیار بشریت است. او در عهدنامه‌اش با مالک اشتر نخعی که در هنگام تعیین وی به‌عنوان حاکم مصر نوشته است، عالی‌ترین شیوه کشورداری را آموزش می‌دهد که هنوز هم نظیر ندارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۵۸۶ حدیث از پیامبر نقل کرده است.

## درس آموزی

به نظر شما، کدام یک از ویژگی‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جامعه امروز کم‌رنگ شده است و مردم به آن نیاز مبرمی دارند؟

## ۵- امیرالمؤمنین حسن علیه السلام

امیرالمؤمنین حسن علیه السلام، فرزند ارشد امیرالمؤمنین علی مرتضی و فاطمه زهرا علیها السلام است. او به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار شبیه بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را به حدی دوست می‌داشت که درباره‌اش فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ.»

«پروردگارا من او را دوست دارم، تو هم او را دوست بدار و هر کس را که دوستش دارد، دوست بدار.»<sup>۱</sup>

پس از شهادت عارفانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مردم با فرزند بردبارش، حسن علیه السلام، بیعت کردند. حسن علیه السلام پرورش یافته خانه ایمان بود. او مناجات و دعاها، مخلصانه مادرش را برای دیگران شنیده و به سخنرانی‌های نغز و پر مغز پدر بارها گوش داده بود. همچنین، دلسوزی و خیرخواهی بزرگان صحابه را در حق پدرش بارها مشاهده کرده بود و می‌دانست دین جدش چقدر با تفرقه سرناسازگاری دارد و آن را بر نمی‌تابد؛ لذا شخصیتی کامل پیدا کرد. پدرش از طرفی عابد محراب و از طرف دیگر، زاهد دنیا و خادم خانه بود. مردم سجده‌های طولانی او را بارها و بارها دیده بودند. حسن علیه السلام مردی اهل صفا و وفا بود و بنا بر نقل‌های صحیح و متعدد تواریخ<sup>۲</sup> و به نقل نزدیکانش در طول عمر با برکت خود سه بار عمده اموالش را در راه خدا بخشید. این شخصیت مجتهد، با تقوا و سخاوتمند برای جلوگیری از اختلاف مسلمانان طی اقدامی صلح‌طلبانه منصب خلافت را رها کرد و مانند پدر شهیدش به کاروان شهدا پیوست. با شهادت ایشان، چراغ فروزان خلافت

۱- حدیث صحیح است؛ صحیح بخاری ۲۱۲۲ و ۵۸۸۴، صحیح مسلم ۲۴۲۱، سنن ابن ماجه ۱۴۲، مستند احمد ۹۸۷۳.

۲- المرتضی، سیدابوالحسن علی حسینی ندوی (سیره و زندگی جامع تحقیقی و تألیفی اسوه تقوی و عدالت حضرت علی مرتضی)، چاپ اول مرکز انتشارات فاروق اعظم زاهدان، پاییز ۱۳۸۵.

### درس آموزی

با توجه به صفت نرم خویی و ملاطفت امیرالمؤمنین حسن علیه السلام، بنویسید که در تعامل با گروه‌های مختلف مردمی، این صفت چه تأثیرات مطلوبی به جا می‌گذارد.

### پاسخ به سؤالات شما

- ۱- چرا خلفای راشدین با وجود امکان خوش گذرانی، زندگی ساده را برگزیدند؟ چون آنها زهد را برای حکام امری واجب می‌دانستند. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده که خداوند بر حاکمان امت اسلامی واجب کرده است که معیشت خود را در حد پایین‌ترین مردم در نظر بگیرند.
- ۲- چرا اقتدار خلفای راشدین آنها را از حق‌طلبی و عدالت‌گستری خارج نکرد؟ به علت ایمان و تقوا و درس‌های انسان‌سازی که از مکتب عدالت پرور کتاب و سنت عملاً فراگرفته بودند.

### اندیشه و تحقیق

- ۱- با دقت در سیره خلفای راشدین، ویژگی‌های مشترک این خلفا را بیابید و درباره هر کدام دو سطر توضیح دهید.
- ۲- با دقت در سیره خلفای راشدین، نقش مردم را در خلافت هر یک از این خلفا تحلیل کنید.
- ۳- درباره نحوه تعامل خلفای راشدین با هم تحقیق کنید. (دانش‌آموزان عزیز برای تحقیق بیشتر در این باره می‌توانند به دو کتاب شیخین و صهرین اثر سیدعبدالرحیم خطیب، مراجعه کنند.)

۱- شهادت حسن بن علی در بسیاری از منابع اسلامی ذکر شده و مشهور است که آن بزرگوار مسموم شده است؛ از جمله این منابع می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:

الاصابه ۷۳/۲ تألیف ابن حجر، تهذیب التهذیب ۱۲۷/۸، سیر اعلام النبلاء ۲۷۴/۳، اسد الغابة ۱۳/۲، البدایه و النهایه ۲۰۸/۱۱. اما در اینکه چه کسی به این کار اقدام کرده، سند و دلیل درستی در دست نیست. البته برخی از اهل علم معتقدند که آن پیشوای بزرگوار مسموم نشده و به مرگ طبیعی از دنیا رفته است.

﴿۲۲﴾ وَأَدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيُّهُمْ

فِيهَا سَلَامٌ ﴿۲۳﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿۲۴﴾

تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۵﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ

كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

﴿۲۶﴾ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

﴿۲۷﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا

قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿۲۸﴾ جَهَنَّمَ يَصَلُونَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿۲۹﴾



## درس چهارم گستره و انشعابات علوم اسلامی پس از خلفای راشدین



در درس‌های پیشین دربارهٔ خلافت<sup>۱</sup> و حاکمان اسلامی سخن گفتیم. در آنجا از پیشوایانی نام بردیم که از اقتدار خود نهایت استفاده را کردند تا مردم را به رستگاری دنیوی و اخروی برسانند؛ در دنیا عدالت را برقرار کنند، نگذارند دیو فقر به خانه‌های مردم سرک بکشد، در زمینهٔ علم کوشا باشند و در مجال فعالیت‌های خود شب و روز با تأمل فکری و قلبی بسیار، رفاه مادی دسته‌ها و آحاد مردم را تأمین و نیازهای معنوی آنان را برطرف کنند. این ادامه داشت تا اینکه در پی انحراف حکومت امویان نوهٔ پیامبر، حسین بن علی علیه السلام، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفت که این امر در نهایت منجر به شهادت او و یاران و اسارت خانواده‌اش شد. با به اتمام رسیدن کار نظام شورایی و خلافت و عدم توجه به اصل اساسی شورا، وضعیت جدیدی در دنیای اسلام پدید آمد. سرزمین‌های اسلامی (در این مقطع از زمان) گسترش یافتند و تعدد قومیت‌ها و ملیت‌ها (که در محدودهٔ حکومت

۱- بنا بر حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله الخلافة فی أمتی ثلاثون سنة ثم ملک بعد ذلک، حدیث صحیح است؛ - سنن ترمذی ۲۲۲۶؛ مسند احمد ۲۱۹۲۳ و ۲۱۹۲۴؛ سنن ابی داود ۴۶۴۶ و ۴۶۴۷؛ مسند احمد ۲۱۹۲۳ و ۲۱۹۲۴ و ۲۱۹۱۹؛ (البته این مفهوم با الفاظ دیگری هم از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده است). جالب است بدانید که رسول خدا در این کلامش از حکومت شورایی با لفظ خلافت یاد کرده‌اند و ۳۰ سال کامل با احتساب ۶ ماه خلافت امام حسن علیه السلام کامل می‌شود.

مسلمانان بودند موجب مسائل جدیدی شد. آری، وجود این قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون در حجاز، یمن، عراق، مصر، ایران، هند، آفریقا و حتی بخش‌هایی از اروپا به ظهور مسائل جدید سیاسی، اعتقادی و فقهی منجر گردید و این امر مسئله پاسخ‌گویی به این مسائل را ضروری و حتمی نمود. البته باید بدانیم که گستردگی مفاهیم اسلامی، که باعث علاقه بیشتر مسلمانان به مطالعه و بررسی علوم (به‌ویژه علوم دینشان) می‌شد، قبل از گستره وسیع قومی و جمعیتی مسلمانان دلیل اصلی گسترش علوم اسلامی بود.

### وضعیت علمی و عقیدتی و فقهی بعد از خلفای راشدین

حرکت علمی مسلمانان در زمینه‌های مختلف دینی و حتی علوم تجربی و ادبی ادامه یافت. البته حرکت‌های اصلاحی و سیاسی هم در گستره سرزمین‌ها شکل گرفتند که حاصل این فعالیت‌های عقیدتی، فقهی و سیاسی ایجاد جماعت‌های سیاسی و مذاهب عقیدتی و فقهی بودند. پس از این تحولات، علوم اسلامی تدوین شد و مسلمانان دانش دیگر ملت‌ها را نیز به زبان علمی آن زمان (عربی) ترجمه کردند و بیشتر از ترجمه علوم، آنها را بسط و گسترش دادند. فلسفه یونان ترجمه گردید و نقدها و شروح مختلفی بر گفته‌های فیلسوفان یونان نوشته شد. علوم اسلامی هم در آن دوره کم‌کم از حالت پراکنده و خام بودن بیرون آمد و بزرگانی از علمای اسلامی آنها را تدوین، تقسیم و تشریح کردند. فقه یکی از این علوم است.

#### بیشتر بدانیم

در این سال‌ها، به تدریج در جامعه گرایش‌های مختلف و دستجات گوناگونی به وجود آمدند؛ به گونه‌ای که فعالیت‌های علمی و عملی مسلمانان، به احزاب و مذاهبی به شرح زیر منجر شد:

۱- گروه‌ها و احزاب سیاسی که بیشتر برای رسیدن به قدرت و حکومت با یکدیگر و یا با حکومت در رقابت بودند.

۲- مذاهب کلامی که در مسائل اعتقادی و فکری با یکدیگر اختلاف داشتند و برای حل مسائل اعتقادی، نظرات خاصی ارائه می‌کردند.

۳- مذاهب فقهی که برای به‌دست آوردن احکام شرعی، روش‌های خاصی داشتند و مخاطبان، یکی از این مذاهب را انتخاب می‌کردند.

توجه به این نکته لازم است که گرایش‌های عقیدتی، فقهی، سیاسی و تربیتی به گونه‌ای جدی ریشه در شاخه‌های معرفتی و تربیتی و بینشی اسلام دارند.

برای فهم دقیق آنچه گفته شد، به دو آیه زیر توجه کنید.

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»

«آیا اندیشه نکرده‌ای که خداوند چگونه توصیفی را برای شما آورده است؟ عقیده پاک، مانند درخت خوب و پاک است که تنه آن [در زمین] استوار و محکم است و شاخه‌هایش در فضا [پراکنده]. این درخت به اراده و خواست خدا هر زمان میوه خود را می‌دهد [همیشه ثمر دارد و سرسبز و خرم است] و خداوند برای مردم توصیف‌های گوناگون را بیان می‌کند تا از آنها پند بگیرند»<sup>۱</sup>

در این آیه (بنا به آنچه در خود آیه و تفاسیر معتبر آمده است) درخت ایمان و اسلام به درخت نخل تشبیه شده که ریشه این درخت پاک دلیل‌های عقلی و نقلی آن است، تنه‌اش عقاید و قیّم، شاخه‌هایش فقه و احکام، میوه‌اش اخلاق و نظم و تربیتش و جمال و زیبایش، بصیرت است. بنابراین آیات، مجموعه چهارگانه درخت دین اسلام عبات اند از:

### ۱- عقاید و قیّم

همان‌طور که گفته شد، تنه درخت دین اسلام عقاید و قیّم است. عقیده از ریشه عقد است به معنی گره؛ یعنی باوری که با روح انسان گره بسته است. براساس بسیاری از آیات قرآن و احادیث نبوی، اساسی‌ترین عقیده مسلمانان ایمان به توحید، معاد و نبوت است. این اعتقاد باید مانند تنه درخت خرما محکم و راسخ باشد و بادهای مخالف هیچ تأثیری بر آن نداشته باشند. این تنه محکم باید ستونی برای فروع درخت دین باشد. بیشترین رنج پیامبر اسلام در دوره مکی تثبیت اصول اعتقادات در فکر و قلب مخاطبانش بود. آنها در این دوره آماده شدند که کم‌کم در مدینه با مسائل فقهی و اخلاقی به‌عنوان شاخه‌های درخت دین آشنا شوند و آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود عملی کنند.

### ۲- فقه و احکام

شاخه‌های درخت دین اسلام (فرع) فقه اسلامی است. صلاة (نماز)، صیام (روزه)، زکات، حج و جهاد و به صورت تکمیلی احکام خانواده، فقه داد و ستد، کشورداری، ارتباط با دیگر کشورها و... همه و همه شاخه‌های این درخت پاکیزه‌اند. بیشتر آیات احکام در دوره مدنی نازل شدند. مسلمانان کم‌کم خود را با احکام تطبیق دادند و آنها را در زندگی عملی خود اجرا کردند.



### ۳- آداب و اخلاق

میوه درخت دین اسلام و ایمان، آداب و اخلاق است. همان‌گونه که درخت بی‌ثمر فایده چندانی ندارد، دین بی‌اخلاق نیز فاقد جاذبه و تأثیرگذاری در خور توجه است. نظافت شخصی، جذابیت ظاهر، خوش خلقی، صداقت، وفاداری، احترام به همگان، ملاطفت و نرم‌خویی و گذشت از خطای دیگران و جبران نیکی‌های آنها، همه و همه میوه‌های شجره طیبه دین هستند. اهمیت و جایگاه میوه اخلاق به حدی است که برخی از علمای اسلامی معتقدند که تبلیغ دین با تندخویی و بی‌اخلاقی مانند عرضه خوراکی‌ها در ظرف‌های کثیف و غیر بهداشتی است که برای مخاطب جاذبه‌ای ندارد؛ ضمن اینکه کل نظام درخت دین زمانی جذاب است که اخلاق نیکو در فرد مسلمان و جامعه دینی هویدا باشد.

### ۴- بصیرت

علمای اسلامی به نظم و ترتیب درخت دین اسلام و جایگاه هر کدام از اجزای دین در جای شایسته‌اش بصیرت می‌گویند. برای احیای دوباره دین در دل‌های افراد جامعه باید به بصیرت توجه کرد. ابتدا باید ریشه‌های درخت و تنه‌اش را ثابت کرد و بعد، فروع دین را بر این تنه محکم و مبارک قرار داد. سپس، میوه شیرین دین را جزء جدایی‌ناپذیر آن معرفی کرد و آن را بارور ساخت. عالمان باید هر کدام از این موارد را همراه با ریشه‌اش (یعنی ادله عقلی و نقلی) به خوبی معرفی کنند و به‌گونه‌ای صحیح همگان را به آن دعوت نمایند. حاکمان هم باید زمینه‌های وجودی دین را در فرد و جامعه ایجاد کنند و تک‌تک مسلمانان موظف‌اند درختی محکم، زیبا و پرثمر را با مشخصات یاد شده در درون و ظاهر خویش ایجاد نمایند.

### تدبّر در آیات

با تدبّر در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم، چه پیام‌های مهمی می‌توان برداشت کرد؟

### اندیشه و تحقیق

- ۱- تحولات علوم اسلامی بعد از خلفای راشدین و نتایج مثبت و منفی آنها را تحلیل کنید.
- ۲- تبلیغ دین بدون رعایت موازین اخلاقی، چه نتایج بدی دارد؟